



دکتر محمود روح‌الامینی

## بودجه سیستان در دوره خلفای عباسی

### بروایت تاریخ سیستان

تاریخ سیستان یا «سیستان‌نامه» یا «فضائل سیستان» حاوی مطالب و اطلاعات فراوانی درباره رویدادهای تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی، ادبی، اعتقادی و سیاسی سیستان است. نسخه خطی این کتاب قریب نیم قرن پیش بدست آمد و با تصحیح استاد محمد تقی بهار منتشر گردید. مؤلف یا مؤلفان آن معلوم نیست.<sup>۱</sup>

تاریخ سیستان نیز مانند *حدودالعالم*، تاریخ بیهقی، تحفه مال‌الهند، سفرنامه ناصر خسرو و بسیاری کتابهای دیگر، مستقیم یا غیر مستقیم، دارای مطالب اجتماعی و فرهنگی ارزنده‌ای است که می‌تواند در مسیر زمان (ومکان) چراغی فراراه پویندگان و پژوهندگان شناخت اجتماعی و فرهنگی بنهد.

آنچه در این مقوله می‌آید شرح و تحلیلی است از ارقام و اقلام پیش‌بینی شده در بودجه مصرفی سالیانه سیستان در قرن پنجم و هزینه‌های الزامی و احتمالی که برای اداره و آبادانی شهر منظور گردیده، و سندی ارزنده برای مطالعه انواع مالیاتهای يك منطقه و شناخت مسائل و مشکلات اقلیمی، اجتماعی و اداری در این دوره است.<sup>۲</sup> در کتابهای تاریخی و جغرافیائی گذشته ایران، مطالبی پیرامون درآمدها و نحوه

۱- نسخه خطی این کتاب در سال ۱۳۵۴ شمسی بدست ملک‌الشراء بهار رسید و در ۱۳۱۴ با تصحیح متن و حواشی، بوسیله موسسه خاور انتشار یافت. برای اطلاع بیشتر به مقدمه کتاب «تاریخ سیستان» مراجعه شود.

۲- به نظر استاد بهار شاید: «مؤلف تاریخ سیستان مولانا شمس‌الدین محمد موالی بوده که تا زمان تاج‌الدین ابوالفضل (۴۴۸) را برشته تحریر کشیده و بار دیگر محمدبن یوسف اصفهانی آن تاریخ را از سنه (۴۶۵) تا سنه (۷۲۵) بطریق اختصار بپایان برده است». مقدمه تاریخ سیستان صفحه .

۳- تاریخ سیستان، چاپ خاور ۱۳۵۲، صفحات ۳۵ تا ۳۳.

گرفتن خراج و جزیه و ذکر بعضی از هزینه‌ها بصورت پراکنده، دیده می‌شود، ولی به‌ندرت به‌سندی برمی‌خوریم که، بدینگونه، هزینه‌های عمومی و جزئی يك منطقه در آن مشخص شده باشد و نویسنده به تفکیک دقیق موارد و مبالغ پرداخته باشد. و از آنجا که در این «شرح بودجه» سال معینی ذکر نگردیده بایستی حدس زد که این ارقام هزینه‌های تقریباً ثابت سیستان در قرن پنجم بوده.

**الف - درآمدها:** مجموعه درآمد مالیاتی سالانه سیستان در قرن پنجم بالغ بر ۳،۵۹۷،۰۰۰ درهم<sup>۲</sup> است که از خراج<sup>۳</sup> و جزیه<sup>۴</sup> به‌ترتیب زیر بدست می‌آمده:

۱- خراج سالیانه که علی‌القاعده بایستی مبنای ثابتی داشته باشد و بزرگترین رقم مالیاتی سیستان را تشکیل می‌دهد. ۳،۵۱۲،۰۰۰ درهم.

۲- مالیاتهایی که بصورت جزیه از اهل ذمه (جوالی) و عایدات خالصه (صوافی) و مالیات اراضی آتشیگاهها (آذروی) دریافت می‌شد، عبارت است از مبلغ ۸۵،۰۰۰ درهم.

در تاریخ سیستان ذکر نگردیده که این درآمد مالیاتی مربوط به چه سالی است و همچنین مقدار و ارزش درهم معین نگردیده ولی صاحب احیاءالملوک<sup>۷</sup> خراج سیستان را، در زمان ملك اعظم ملك قطب‌الدین ثالث (بایستی اوائل قرن نهم باشد) مبلغ ۸،۵۱۲،۰۰۰ درم و هر درم را يك مثقال نقره (۴/۶۴ گرم) ذکر نموده<sup>۸</sup>.

و در کتاب البلدان آمده: «خراج سیستان به ده میلیون درهم می‌رسد که در میان سپاهیان و شحنگان و مزداران آنجا توزیع می‌گردد».

بر اساس منابع تاریخی ضابطه و مقدار خراج بستگی به قدرت و سلطه سلاطین و تشریفات سلطنتی و حکومتی داشته. این بلخی ضابطه‌ای را که انوشیروان برای خراج وضع کرده بدین شرح می‌نویسد:

- کشتهای غله بوم، از يك گری زمین خراج يك درم سیم نقره.
- زمین رزبوم، از يك گری زمین خراج هشت درم.
- درخت خرماي پارسى از هر چار درخت خراج يك درم.
- خرماي وقل از هر شش درخت خراج يك درم.
- درخت زیتون از هر شش درخت خراج يك درم.

۴- درهم یا درم مییاسی برای وزن و مییاسی برای پول مأخوذ از دراخته (واحد وزن یونانی). درهم شرعی وزن ۵۰ تا ۶۰ دانه جو متوسط پوست ناکنده و ظاهراً کمی سنگین‌تر از ۳ گرم بوده. وزن درهم (سکه نقره) اسلامی بسبک ساسانی ۳۹۸ گرم بوده است (دائرةالمعارف مصاحب).  
۵- خراج غالباً مالیات ارضی بوده و جزیه مالیات سرانه و همچنین عشر یا عشریه و در بعضی موارد نیم‌عشری را که سلاطین از رعیت مسلمان می‌گرفته‌اند خراج خوانده‌اند (دائرةالمعارف مصاحب جلد اول، زیر کلمه خراج).

۷- احیاءالملوک تألیف شاه حسین بن ملك غیاث‌الدین محمد از سلسله صفاریان.

۸- احیاءالملوک صفحه ۹ به نقل از تاریخ سیستان حاشیة صفحه ۳۱.

۹- کتاب البلدان. تألیف احمد بن یعقوب، ترجمه محمد ابراهیم آیتی بنگاه ترجمه و نشر کتاب

و جزیه سرها از کسانی که جزیه‌گزار بودند از طبقات رعایا بر سه نوع سندی: هر سال توانگران ۱۲ درم و میانه‌تر ۸ درم و کمتر ۴ درم و بهر سال یکبار سندی<sup>۱۰</sup>.

خراج در دوره اسلامی به سه صورت «مساحت» و «مقاسمت» و «قوانین» گرفته شده<sup>۱۱</sup>، دربارهٔ خراج قبل از اسلام و بعد از اسلام تحقیقات متعددی صورت گرفته است<sup>۱۲</sup>.  
 ب- پیش‌بینی هزینه‌ها (برنامه‌ریزی بودجه): از ویژگی‌های «شهر نشینی» و «مدنیت» که قریب به چهار هزار سال پیش شکل گرفته، بایستی سازمان‌بندی حکومتی، ایجاد تخصص، تعیین وظایف، تمایز قشرها و هم‌آهنگی افرادی را نام برد که در یک فضای جغرافیائی معین گردآمده‌اند، یعنی جامعه‌ای با رئیس یا رؤسا، صنعتگران، توابع حاصلخیز، بازار دادوستد، برج و بارو، طبقات و اصناف و بالاخره سازمانی نظامی و دینی که این مجموعهٔ پیچیده را اداره می‌کرد<sup>۱۳</sup>.

و از آغاز، یکی از وظائف اساسی این سازمان حکومتی معین نمودن هزینه‌های عمومی، پیش‌بینی مشکلات و تأمین مخارج شهر یا شهرها بود، وظیفه‌ای که امروز به صورت دقیق و حساب‌شده‌ای در سازمانهای برنامه‌ریزی و بودجه متبلور است.

بودجهٔ سیستان که به منظور آبادانی شهر و جلوگیری از حوادث طبیعی و اجتماعی و نسق شهر پیش‌بینی شده، نشان دهنده سازمان دهی و تجربه‌اداری مدنی شکل یافته است و تحلیل آن می‌تواند به شناخت اجتماعی و فرهنگی تمدن گذشته کمک نماید.  
 بعضی از اقلام و مواردی که در هزینه‌های سیستان یاد شده هنوز هم در برنامه ریزی‌ها هست، و برخی دیگر تکمیل شده و گسترده‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد و قسمتی نیز در اثر تحولات فنی و صنعتی یا تغییر کرده و یا بکلی منسوخ گردیده است. اهمیت موارد را می‌توان بر حسب اقلام هزینه و مبلغی که به هر یک اختصاص یافته مورد تحلیل قرار داد و مقدار درصد سهم هر مورد را از بودجه کل تعیین نمود (به جدول مراجعه شود).

۱- سهم سلطان: پادشاهان و سلاطین و خلفاء هر ساله مبلغی از حکام شهرها و آبادیهای بزرگ دریافت می‌کردند. کم و زیادی این مبلغ بستگی به آبادانی و اهمیت شهر و قدرت و ضعف حاکم داشته و معمولاً تازمانی که این «خراج» از طرف حاکم یک شهر به پادشاه یا خلیفه پرداخت می‌شده حکومت مرکزی از جانب آن شهر آسوده خاطر بوده و آنرا در قلمرو سلطنتی می‌دانسته است. مبلغی را که در بودجه سیستان برای

۱۰- فارنامه ابن بلخی، انتشار مؤسسه فراهانی، تهران ۱۳۴۶ صفحه ۱۲۵.

۱۱- نظامهای بهره‌برداری از زمین در ایران (از ساسانیان تا سلجوقیان)، خسرو خسروی، انتشارات پیام، تهران ۱۳۵۲، مبحث خراج صفحه ۲۳.

۱۲- همان مأخذ از صفحه ۲۳ تا ۳۳ و نیز به فهرست مواخذ خراج از صفحه ۱۲۵ تا ۱۲۹ نگاه کنید.

۱۳- مبانی انسان‌شناسی، محمود روح‌الامینی، انتشارات زمان، ۱۳۵۷ مبحث آغاز شهرنشینی صفحه ۲۵.

سلطان در نظر گرفته شده عبارت از دو میلیون درهم (دو بار هزار هزار درهم) یعنی معادل ۵۵/۶۰ درصد کل خراجات سیستان بود. و تصریح گردیده است که حقوق کارپردازان (قسامات و خشرها و شغلها) بایستی از این مبلغ پرداخت گردد و در همین کتاب آمده است که مبلغی را که عثمان بن عفان (خلیفه سوم) از ایران بن رستم، شاه سیستان دریافت می داشته یک میلیون (هزار هزار) درهم بوده<sup>۱۴</sup>.

۲- بستن سد: رسیدگی به وضع آب رودخانه‌ها، حفاظت جویبارها، پیش‌بینی سیل‌زدگی و خرابیهای ناشی از آن در سیستان دارای اهمیت حیاتی است.

نویسنده کتاب، درجائی دیگر، متذکر می‌گردد: «شرایط آبادانی سیستان در سه بند بستن نهاده آمد. بستن بند آب و بستن ریگ و بستن بند مفسدان، هرگاه که این سه بند اندر سیستان بسته باشد، اندر همه عالم هیچ شهر به نعمت و خوشی سیستان نباشد و تا همی بستند چنین بود و چون بندند، چنین باشد و روزگاران راقوام باشد<sup>۱۵</sup>». موقعیت جغرافیایی یعنی اراضی شن‌زار و سیلابهای نواحی مجاور و هوای گرم و فضای بادخیز و باتلاقیهای هامون این منطقه را در معرض آسیبها و خطرانی قرار داده که در برنامه‌ریزی عمرانی سهم عمده‌ای به آن اختصاص داده شده بدین معنی که از ۴۲۶ هزار درهم مصارف پیش‌بینی شده سیستان، ۱۰۹ هزار درهم یعنی ۲۵٫۶ درصد آن (و ۲۹٫۱۳ درصد کل خراجات سیستان) برای این امر در نظر گرفته شده بشرح زیر:

— برای اصلاح خرابیهای که از سیل و جریان رودخانه در اراضی مزروع پیدا شده.

۴،۰۰۰ درهم

— برای نگهداری سدهای خاکی و خاشاکی و مرزبندیهای زمین زراعتی (پرن).

۵۰،۰۰۰ درهم

— برای مرمت پلها و رودها و جویها و معبر کشتیها درهیرمند. ۳۰،۰۰۰ درهم

— برای بستن و مرمت سدها. ۲۵،۰۰۰ درهم

از آنجا که بندها (سدها) در این منطقه همواره در معرض خطر است و مقدار زیانهای احتمالی را نمی‌توان دقیقاً پیش‌بینی نمود، در سند تصریح شده که: «بندبستن‌ها را اگر بیش بایستی هرچند شدی و اگر نه خمسة و عشرين الف درهم.»

۳- تعمیر برج و باره شهر: امنیت و حراست شهرهایی مانند سیستان به مرمت حصارها و دیوارها و برج و باره شهر و تعمیر و حفظ قلعه‌های اطراف بوده زیرا حمله اقوام و گروههای صحرائشین به شهرها و آبادی‌های پر رونق امری متداول بوده بطوری که ابن خلدون آنرا بعنوان يك قاعده و قانون در مراودات اجتماعی بادیه‌نشینی و شهرنشینی می‌داند<sup>۱۶</sup>.

در بودجه سالانه سیستان مبلغ پیش‌بینی شده بدین شرح است:

۱۴- تاریخ سیستان، صفحه ۸۲.

۱۵- تاریخ سیستان، صفحه ۲۱.

۱۶- مقدمه ابن‌خلدون، تألیف عبدالرحمن بن خلدون ترجمه محمد پروین گنابادی، بنگاه ترجمه

و نشر کتاب ۱۳۳۶، باب دوم صفحه ۲۳۱.

۱۲/۰۰۰ درهم

۵۰/۰۰۰ درهم

جمع ۶۲/۰۰۰ درهم

— برای مرمت باره شهر

— برای تعمیر و آبادانی قلعه‌های اطراف

این مبلغ معادل ۱۴۵۵ درصد هزینه‌ها و معادل ۱۷۲ درصد کل درآمد سیستان است. آبادانی و رونق سیستان نیز تخصیص این مبلغ را ایجاب می‌نموده، دربارهٔ اهمیت آبادانی سیستان در سال ۳۷۲ هجری قمری در حدود العالم آمده است: «شهری با حصار است و پیرامن او خندق است... و شهر او را پنج دراست از آهن و ربض او باره دارد و او راسیزده دراست ۱۷». و در سال ۲۷۸ هجری احمد بن ابی‌یعقوب آنرا «با خراسان مانند و برابر ۱۸» دانسته است.

۴- هزینه سازمانهای اداری شهر: وجود سازمانهای اداری و کارمندان و کارگزاران مختلف برای نظارت بر آبادانی، کنترل نظم و اجرای مقررات از ویژگیهای شهر است. اعتبار و اهمیت بلاد، گاه با ذکر ارقام و آماری دربارهٔ عمال و کارگزاران و یا هزینه‌های آنان نشان داده شده. از تعداد کارمندان و «حقوق‌بگیران» سیستان در این سند فذکری نشده ولی مبلغی را که در بودجه سالانه برای آن پیش‌بینی گردیده است ۱۰۰ هزار درهم است که ۲۳۴۷ درصد هزینه‌ها و ۲۷۷ درصد کل درآمد و به سازمانهای زیر اختصاص داشته است:

— والی (والی - شرطه) ۳۰/۰۰۰ درهم (۵/۸۳ درصد کل درآمد)

— بندار (رئیس مالیه و دبیران) ۵۰/۰۰۰ درهم (۱/۳۹ درصد کل درآمد)

— صاحب مظالم (دیوانخانه) ۲۰/۰۰۰ درهم (۰/۵۵ درصد کل درآمد)

تفاوتی که در مقدار بودجه این سه سازمان می‌بینیم، بایستی به تعداد افراد حقوق‌بگیر هر سازمان بستگی داشته باشد.

علاوه بر عناوین «والی»، «بندار» و «صاحب مظالم»، در قسمت دیگر این سند، که مخارج ماه رمضان معین شده (و در جای خود خواهد آمد) به اصطلاحات شغلی زیر برمی‌خوریم:

— خادمان دیوان (اجزاء و خدام دیوانخانه عدلیه).

— عوانان (مأمورین دیوانخانه و مجریان اوامر عدلیه و سایر اوامر مربوط به شهرها).

— پاسبانان و حرسیان (نگهبانان).

— عرفیان (رؤسای شهری).

— معرفان (ظاهراً مطلعین به احوال طبقات مردم).

۱۷- حدود العالم من المشرق الی المغرب، مؤلف نامعلوم، بکوشش دکتر منوچهر ستوده، چاپ

تهروری ۱۳۶۱ صفحه ۱۰۲.

۱۸- البلدان تألیف احمد بن ابی‌یعقوب ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، نگاه ترجمه و نشر

کتاب چاپ سوم ۱۳۵۶ صفحه ۵۷.

— چشم‌بینش ۱۹ (مأمور سری مقتش).

اصطلاحات دیوانی و اداری که در کتاب آمده عربی است ولی در این فصل سه اصطلاح: «پاسبان» و «بندار» و «چشم‌بینش» به فارسی است که در خور تأمل است.

۵— هزینه زندانیان: وقتی که سخن از زندانیان در این دوره می‌رود معمولاً منظور مخالفین شخصی حکام و سلاطین است و زندانیان راکسانی تشکیل می‌داده که مخالف نظر و عقیده و عمل حکام و فرمانروایان بودند و یا اینکه وجودشان برای پادشاهان و امرا خطرناک قلمداد می‌شد. و گاهی تمام مردان یک خانواده یا یک طایفه و یا تمام افراد یک دودمان — زن و مرد، خرد و کلان — زندانی می‌شدند. و درجائی که به «بستن بند مفسدان» سیستان ۲۵ اشاره شده، مطمئناً منظور از فساد، سرقت و نزاع و قتل و مانند آن نبوده و برای اعمالی از این قبیل در دوره خلفا، احکام شرعی قصاص و حد و تعزیر اجرا می‌شده است و کمتر سندی درباره زندانی ساختن آنان داریم. در منابع تاریخی و اجتماعی اشارات پراکنده فراوانی درباره تعداد زندانیان و کار و نسب و گاه هزینه آنان بچشم می‌خورد: اردشیر بابکان زندانیان محکوم به اعمال شاقه را به کارسخت وامی‌داشت ۲۱. انوشیروان هشتصد مرد زندانی را که: «همه از فرزندان ساسانیان و دیگر نژاد ملوک» بودند بچنگ در کشوری دیگر گسیل‌داشت ۲۲. و حجاج بن یوسف «چون ببرد پنجاه هزار مرد و سی هزار زن در محبس او بود ۲۳». تاریخ سیستان از منابع تقریباً منحصر بفردی است که مخارج زندانیان را در بودجه سالانه معین کرده و مبلغ آن ۲۵ هزار درهم یعنی ۶۶۹ درصد بودجه سیستان و ۵۵٫۵ درصد کل درآمد سیستان است و این مبلغ دو برابر بودجه‌ایست که برای بیمارستانها در نظر گرفته شده. هزینه معیشت زندانیان گاهی با کار ۲۴ یا تکدی تأمین می‌شده.

۶— بودجه مؤذن: آبادانی و رونق محله‌ها، برزن‌ها و شهرهای اسلامی با کثرت

۱۹— استاد محمدتقی بهار حدس زده‌اند که «چشم‌بینش» بایستی به معنی مأمور سری باشد.

۲۵— به صفحات پیش همین مقاله (۲— بستن سد) مراجعه شود.

۲۱— می‌گویند حفر خانه‌های سنگی میمند (نزدیک شهر بابک) بدستور اردشیر بابکان و بدست زندانیان محکوم به اعمال شاقه صورت گرفته است.

۲۲— سیف‌نویزن، ملک یمن برای جلوگیری از تهاجم سی هزار مرد که حبشه به یمن آمده بودند تقاضای کمک کرد. «انوشیروان اندیشه کرد و گفت دین اهل یمن دین ما نیست تا نصرت ایشان را دهیم اما چون استعانت بما نمودند اگر یاری ندهیم نام و ننگ باشد و اگر لشکری فرستیم و آنجا هلاک شوند نیک نیاید. پس رأی زد که محبوسان را که روی رها کردن ایشان نبود، از فرزندان ملوک و سباهیان همرا برگ و سلاح دهد تا آنجا روند. اگر ظفر یابند خود همانجا باشند و اگر کشته نشوند، خود ایشان رهایی یابند و فرمود تا بازداشتگان را بیرون آورند هشتصد مرد بودند همه از فرزندان ساسانیان و دیگر نژاد ملوک که ایشان را محبوس می‌داشت...» فارس‌نامه ابن‌بلخی، انتشارات فراهانی ۱۳۴۶ صفحه ۱۲۷.

۲۳— مروج الذهب — تألیف مسعود، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب صفحه ۱۶۹.

۲۴— رسم چنان بود که حاکم زندان ایشان را بصحرا بردی تا بسک پشته هیزم بیاورند (قصص الانبیاء صفحه ۱۷۹).

مؤذنه‌های راتب ۲۵ و مؤذنان دیگر بود. صدای اذان علاوه بر یادآوری وقت نماز و دعوت مردم به ادای فریضه نماز، مشخص‌کننده ساعات مختلف و معیاری برای زمان بندی فعالیت‌های روزمره بوده.

تعداد مؤذنان در سیستان زیاد بوده، در فصلی دیگر از تاریخ سیستان آمده: «حمزة بن عبدالله الخارجی اندر سنه احدى و ثمانین و مائه ۲۶. بامداد بر غلس (تاریک) بدر شهر آمده بود، بانگ نماز بسیار شنید، از این شهر، که آنرا عدد و احصاء نبوده عجب ماند، آخر گفت: بازگردید که بر شهری که اندر آن چندین تکبیر و تهلیل بگویند شمشیر نباید کشید ۲۷.»

بایستی با توجه به این اعتبار و اهمیت باشد که در برنامه‌ریزی بمبلغ بیست هزار درهم یعنی معادل ۴۶۹ درصد بودجه سیستان و ۵۵ درصد کل درآمد را بخود اختصاص داده که دوبرابر بوجه پیش‌بینی شده برای بیمارستان است. رواج و فراوانی ساعت‌های مختلف مچی، دیواری، طاقچه‌ای، سفری و امکانات رادیوئی و تلویزیونی برای اعلام و یادآوری ساعات رسمی و شرعی از جمله عواملی است که باعث حذف رقم هزینه مؤذن از برنامه‌ریزی بودجه گردیده است.

۷- هزینه بیمارستان: تقریباً کمترین مبلغ در مجموعه هزینه‌های پیش‌بینی شده سیستان، به بیمارستان اختصاص یافته، با توجه که بیمارستانها - قبل و بعد از اسلام - در ایران می‌شده، نمی‌توانسته است شهری به قدمت و عظمت سیستان، هزینه بیمارستانش نصف هزینه زندان یا نصف مقرری مؤذنان باشد.

اگر برای مخارج بیمارستانها ۱۵ هزار درهم یعنی ۲۲۳ درصد بودجه سیستان و ۲۷ درصد کل درآمد سیستان اختصاص یافته، بایستی برای این باشد که: الف - بیمارستان مکانی برای معاینه بیماران و دادن دارو و دستور به آنها بوده و نه برای توقف و بستری شدن بیماران.

ب - سنت‌های خانوادگی و طبقاتی و قومی اجازه نمی‌داده که افراد در بیمارستان بستری شوند و اختصاص به افراد فقیر داشته. چنانکه در بعضی از فرهنگها نیز در معنی بیمارستان آمده: «عمارت و خانه‌ای که جهت بیماران بنا شد و در آنجا بیماران پی بضاعت و بیکس را پذیرفته و مجاناً و بلاعوض آنرا تداوی کرده و دوا و غذایی دهند و پرستاری می‌کنند ۲۸.» و کسانی که تمکن و استطاعت مالی داشته‌اند بنا بر سنت، طبیب را برای مداوای مریض بخانه می‌برده‌اند و هنوز برای وجهی که به طبیب پرداخت می‌شود، اصطلاح «حق‌القدم» بکار می‌رود.

ج - علاوه معاینه بیماران منحصر به بیمارستانها نبوده و داروخانه‌ها علاوه

۲۵- مؤذن راتب کسی که برای اذان گفتن در مسجدی تعیین می‌شود و برای این کار مقرری دریافت می‌دارد.

۲۶- سال ۱۸۱.

۲۷- تاریخ سیستان صفحه ۱۵۶ و ۱۵۷.

۲۸- فرهنگ نفیسی ناظم‌الاطباء.

برفروش دارو محلی برای معاینه بیماران نیز بوده، فریدالدین عطار، آماری از بیماران را که روزانه به او مراجعه می کرده اند، بدست می دهد:

بدارو خانه پانصد شخص بودند که در هر روز بنضم می نمودند<sup>۲۹</sup>

۸- هزینه بستن ریگ: ریگراها در سیستان و در آبادیهای حاشیه کویر لوت و مشکل مهار کردن «ریگ روان» از مسائلی است که تا به امروز مردم منطقه را بمبارزه می طلبد و چنانکه دیدیم مؤلف تاریخ سیستان «بستن بند ریگ» را یکی از سه شرط آبادانی سیستان می داند.

اگر در برنامه ریزی سیستان سی هزار درهم یعنی ۷۰۴ درصد بودجه سیستان (۸۳۰۵ درصد کل درآمد سیستان) و سه برابر هزینه سالانه بیمارستان، پیش بینی می شود، جای شگفتی نیست. مبارزه با «ریگ روان» را صد سال پیش از تألیف تاریخ سیستان، ابن حوقل چنین بیان می کند: «... مردم سیستان با استفاده از تجارب گذشتگان - که بر پایه دانش هندسه استوار است - سرزمین خود را از خطر ریگ روان نکه می دارند و اگر این مراقبت نمی بود، ریگ شهر و دیهها را نابود می کرد و من شنیدم که مردم آنجا وقتی بخواهند ریگ را از جایی به جای دیگر منتقل کنند در تریبک ریگ تپه و دیوارهایی از چوب و خار و جز آن تعبیه می کنند و در پایین آن در برابر باد، دری قرار می دهند. باد از آنجا داخل شده و آنرا می پراند و در بالای آن چون گرد بادی می سازد و ریگ راهجائی که منظور ایشان است منتقل می کند<sup>۳۰</sup>».

با توجه به تلاش همگان در مبارزه با ریگ روان مبلغ سی هزار درهم را نایستی تمامی هزینه «بستن بند ریگ» دانست بلکه آنرا کمکی دانست که حکومت سیستان در نظر گرفته است و گرنه در این همیاری: «... (مردمان) کارها، دیگر دارند که دون ایشان را نیست چون راندن ریگ از جایی به جایی و جمع کردن آن و بداشتن برجایی که بخواهند<sup>۳۱</sup>».

امروز نیز در استانهای سیستان و بلوچستان، یزد، کرمان و خراسان جلوگیری از ریگ روان و تدابیر تثبیت آن شیوه های تجربی و سنتی، همراه با برنامه ریزیهای دولتی و گاه با استفاده از تکنولوژی جدید، از تلاش های بنیادی تضمین محیط زیست است.

۹- بودجه آزاد ساختن بردگان: برده داری. در تاریخ حیات اجتماعی انسان سابقه ای کهن دارد. علمای اجتماعی برده داری را با پیشرفت کشاورزی و پیدایش فلزات همزمان می دانند. زندگانی سخت، دلاوری، هوشیاری و بالاخره قیامهای بردگان،

۲۹- مثنوی خسرونامه.

۳۰- فرمانفرمای عالم تألیف دکتر باستانی پاریزی، انتشارات علمی ۱۳۶۴، مقاله «روغن در دیگ» صفحه ۲۵، به نقل از کتاب صورة الارض تألیف ابن حوقل ترجمه دکتر جعفر صفحه ۱۵۳، در این مقاله استاد دکتر باستانی همراه با شواهد تاریخی متذکر شده است که نایستی از ریگ بیابان فقط بعنوان «قهر خدائی» یاد کرد بلکه آثار «مهر خدائی» نیز در آن کم نیست.

۳۱- تاریخ سیستان صفحه ۱۲.



قبل از اسلام ۲۲ و بعد از اسلام ۲۳، قسمتی از تاریخ برده‌داری را تشکیل می‌دهد و دور این زمینه تحقیقات و تألیفات از دیدگاه‌های مختلف سیاسی، اعتقادی، طبقاتی و تاریخی کم نیست.

در ایران قبل از اسلام و بعد از اسلام دستورات و اندرزهای فراوانی درباره خوشرفتاری و محبت با بندگان یا آزاد ساختن بردگان یافت می‌شود و نیز مواردی که يك بنده بخاطر خوش‌خدمتی، شیرین‌زبانی یا علل دیگر «خط آزادی» از مالک خود گرفته کم نیست. نمونه از «خط آزادی» يك غلام در قرن هشتم (۷۳۱) بدین شرح است:

«این مکتوب ناطق است بذکر آنکه آزادکرد صدر کبیر خواجه...الدین، يك نفر غلام اروس اصیل ملیان نام، میانه‌بالا، سرخ روی، کبود چشم، پیوسته ابرو (...). تابعد از این مالک نفس خود باشد و هر جا که خواهد اقامت کند و بعدالایوم هیچ آفریده‌ای را از متعلقان این آزادکننده و غیره با این غلام هیچ حقی و دعوی نباشد و مانع و مزاحم وی نگردد تا به فراغ خاطر به‌دعاء دولت روزافزون مشغول گردد. بدین موجب، گواه بر خود گرفت جماعتی را از اعیان و ثقات. کتبه فی ۱۱ ماه مبارک ربیع‌الآخر سنه احدى و ثلاثین و سبعمائه ۲۴.»

و در مواردی برده خود پولی ذخیره می‌کرده و خودش را از مالکشی می‌خریده است، مؤلف تاریخ سیستان در ذکر نام فضلاء سیستان آورده است: «... بام‌مولی (بنده) لیث‌بن بکر بن عدم‌ناف بن کنانه از بزرگی درجات علم بدان جایگاه رسید که خویشان را بصد هزار دینار بازخرید از مولای خویش، گفتند که خیری، خط نخواهی؟ گفت نه که من خویشان را بیش از این ارزم و نیک نقد برکشید و بداد ۲۵.»

ولی اقدام حکومتی و معین کردن مبلغی در حدود ۴۵،۰۰۰ درهم یعنی ۱۵۸۵۶ درصد بودجه سیستان (۱۲۵ درصد کل درآمد سیستان) برای خریدن و آزاد ساختن بندگان (زن و مرد) در خور توجه است.

مبلغ فوق بدین شرح است که صد برده که قیمت هریک از آنها بین چهار صد تا پانصد درهم باشد یعنی جمع رقمی که به این امر اختصاص می‌یابد ۴۵،۰۰۰ درهم می‌شود. اختصاص دادن مبلغی - هر چند در خور توجه - از بودجه سیستان را به آزاد ساختن برده، در قرن پنجم، آیا می‌توان طلّیحه اقدامی در جهت الغاء بردگی بشمار آورد؟

۳۲- قیام اسپار تا کوس در سال ۷۱ تا ۷۴ قبل از میلاد.

۳۳- قیام زنگنهان در سواحل شط‌العرب در قرن سوم به رهبری علی‌بن محمد صاحب‌الزنج. رجوع کنید به تاریخ تمدن اسلام تألیف جرجی زیدان جلد پنجم مبحث بردگان.

۳۴- تاریخ اجتماعی ایران تألیف راوندی، چاپ امیر کبیر جلد سوم صفحه ۵۷۰ به نقل از رساله‌الصاحیبه (نقل از اسناد و نامه‌های تاریخی).

۳۵- تاریخ سیستان صفحه ۱۸.

در کتاب «احیاء الملوك»، که در پایان مقوله به آن اشاره خواهد شد، در شرح هزینه‌های سیستان در قرن نهم، شرط آزادی بندگان را «بك سال خدمت بیماران و غریبان کردن» آورده است.<sup>۳۶</sup>

۹۵- هزینه ماه رمضان: منظور داشتن مبلغی بعنوان نذر یا درآمد وقف بـرای مخارج مسجد در ماه رمضان، از طرف افراد متمکن و خیر، امری متداول است ولی اختصاص دادن مبلغ سی هزار درهم یعنی ۷۰۴ درصد بودجه سیستان (۸۳۰۵ درصد کل درآمد سیستان) از طرف حکومت و تقسیم آن بین کسانی که غالب آنها را، ظاهراً، نمی‌توان نه در شمار فقیران مستحق به حساب آورد و نه در عداد متعبدان مولع، مسأله‌ایست در خور توجه:

الف: ظاهراً تمام کسانی که پرداخت ۲۵ درهم در ماه به آنها تصریح شده، بغیر از قرآن خوانان، از عمال و کارگزاران حکومتی هستند.<sup>۳۷</sup> و در واقع مبلغی است که حکومت، بکارمندان خود یعنی خادمان دیوان‌خانه، مأمورین دیوان‌خانه، نگهبانان، رؤسای شهری، پاسبانان، مطلعین و مأمورین سری، کمک می‌کند.

ب: شاید اختصاص این مبلغ به عمال و کارگزاران، در ماه رمضان، برای این باشد که چون ماه عبادت است و آنان نمی‌توانسته‌اند آنطور که شاید و باید مانند ماههای دیگر کار موظف خود را انجام دهند و در نتیجه به مقرری آنها نقصانی وارد می‌آمده و این کمک در واقع جبرانی به کمبود مواجب محسوب می‌شده که بتوانند با آسودگی خاطر به عبادت بپردازند.

ج: مقرری که برای هر يك از عمال و کارگزاران تعیین شده مبلغ ۲۵ درهم در ماه و مقدار دومن نان در روز است و شاید بتواند معیاری برای سنجیدن مخارج ضروری يك خانواده متوسط نیازمند به کمک در قرن پنجم باشد.

۱۱- آنچه برجای ماند: مجموعه هزینه‌های سالیانه سیستان که باتفکیک اقلام مشخص گردیده بالغ بر ۲،۴۲۶،۰۰۰ درهم است که بادر نظر گرفتن کار درآمد از خراج و جزیه که عبارت از ۳،۵۹۷،۰۰۰ درهم می‌باشد، مبلغ ۱،۱۷۱،۰۰۰ درهم یعنی حدود يك سوم کل درآمد باقی می‌ماند که در هزینه‌های سالیانه پیش‌بینی نشده. ولی به‌والیاب و حکام موارد خرج که جنبه «خیرات و مبرات» یا رفع زیان‌های پیش‌بینی نشده دارد، معین گردیده است که بقرار زیر است:

الف - کمک به رهگذران نیازمند و مستمند و تهیه لباس برای غریبان.

۳۶- احیاء الملوك تألیف ملک‌شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین محمد بن شاه محمود سیستانی، به‌اهتمام دکتر منوچهر ستوده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب سال ۱۳۴۴ صفحه ۱۹.

۳۷- شاید قرآن خوانان مورد نظر این سند نیز جزء عمال حکومتی بوده و مقرری دریافت می‌داشته و با «قاریان» که امروز مرسوم و معروفند فرق داشته‌اند.

در غالب شهرهای ایران مراکزی برای کمک به مسافران و سیاحان و زائران (خرج سفر، محل بیتوته، تهیه غذا و لباس) در کنار مساجد، خانقاهها یا منازل افراد متمکن و یا از طرف حکومت وجود داشته است، و قفنامه‌ها، سفرنامه‌ها و اسناد دیگر این توجه به‌غریبان و مسافران را نشان می‌دهد که در واقع سازمان گسترده‌ای برای «جلب سیاحان» بوده و این خود یکی از عوامل عمده سفرهای طولانی در گذشته است. ب - کمک به افراد مقروض.

ج - مرمت مناطقی که در اثر سیل و یا عامل دیگر ویران گردیده است.

د - مهمانی دادن (شاید «خرج سفره» که در بودجه استانداریها وجود دارد بازمانده این رسم باشد).

ه - دادن بخور و غالیه به‌ضعفا: شاید منظور مواد بهداشتی و تقویتی باشد و یارسم و مورد و اصطلاحی بوده که متروک شده و امروز جز مفهومی که از ظاهر عبارت استنباط می‌شود چیزی نمی‌دانیم، در کتاب احیاءالملوک نیز از مخارج بخور و غالیه در بودجه سیستان سخن می‌رود ۲۸.

#### اشاره

در مقدمه کتاب احیاءالملوک<sup>۳۹</sup> نیز شرح خراجات سیستان، و بودجه سالانه آمده و مؤلف آن، که مطمئناً به‌شرح خراج در کتاب تاریخ سیستان توجه داشته است<sup>۴۰</sup>، خراج سیستان و هزینه‌های آنرا در زمان ملک قطب‌الدین ثالث (پادشاهی او از ۸۰۶ تا ۸۳۲) با تفصیل آورده و بی‌مناسبت نیست، بعنوان مقایسه، تحولات درآمد و برنامه‌ریزی سیستان را در فاصله قریب چهار قرن ملاحظه نمائیم (به جدول شماره ۲ مراجعه شود).

موارد هزینه در تاریخ سیستان و احیاءالملوک صرف‌نظر از کم و زیاد شدن مبلغ هر مورد تقریباً مشابه است. که خود معرف تغییر شرایط و کم شدن اهمیت آن و یا نیازمندی جامعه به آن است، در اقلام بودجه کتاب اخیر دو مورد اضافه شده که در تاریخ سیستان به آنها اشاره نگردیده است و عبارتند از:

خرج گورستانها ۴،۰۰۰ درهم

خرج کوران ۳،۰۰۰ درهم

نویسنده احیاءالملوک، برای معین نمودن مقدار درم، بلافاصله اضافه نموده است که: «هر درهم یک مثقال نقره است، تقریباً هفتاد و پنج هزار و صد و بیست تومان

۳۸ - احیاءالملوک، صفحه ۱۹.

۳۹ - احیاءالملوک. تألیف ملک‌شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین محمد بن شاه محمود سیستانی به اهتمام دکتر منوچهر ستوده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب سال ۱۳۴۴، صفحات ۱۸ و ۱۹.

۴۰ - به مقدمه ملک‌الشعراء بهار بر تاریخ سیستان و مقدمه مصحح احیاءالملوک مراجعه شود.

می‌شود به حساب مثقال شش‌دانگ و از زر رایج، حال که سال هزار و بیست و هفت است تخمیناً هشتاد هزار تومان می‌شود.<sup>۴۱</sup>»

\*\*\*

نقل از تاریخ سیستان

### قسمت خراج سیستان

ثلاثة الف الف و خمسمایة و اثنا عشر الف درهم، درمی درمی دون مال جوالی و صوافی و آنروی، و این جمله بود خمسة و ثمانون الف درهم، فذالك ثلاثة الف الف [و خمسمایة] و تسعين الفاً و سبعة الف درهم، زین جمله دوبار هزار هزار درم سلطان را بودی، دیگر برین جمله که تفصیل بدان ناطق است بکار بردندی تا مردمان بدرسر نبودندی [و] بقسامات و حشرها و شغلهاء خویش پرداخته بودندی، اول راست کردن تیموق از بیت‌المال بودی، هرچند شدی، از جمله دوبار هزار هزار درم ببایستی داد هر سالی، اما آنچه از جمله دیگر مال بایستی کرد عامل و والی [را]، راست کردن باره را هر سال اثناعشر الف درهم، و راست کردن کورها اربعة آلاف درهم، و راست کردن دیگر قلعتها را پراکنده خمسين الف درهم، و محبوسانرا بهر شهری که بودند عشرين الف درهم، و ماه رمضان در مسجد جامع ثلثین الف درهم: قرآن خوانانرا هرچند بودندی، و خادمان دیوانرا و عوانانرا و حرسیان را و عریفان را و پاسبانان را و معرفان را و هر چشم بینشی را هرچند که بودندی، بهر شهر که بودندی، هریکی را اندرین ماه عشرين درهم، و اندر هر سال صد بنده بخیریدندی از پانصد درم تا چهارصد درم و آزاد کردندی نرو و ماده و هریکی را چندانگ بهاء او بودی...\* [و] بیمارستان را عشرة آلاف درهم، و بندبستنها را اگر بیش بایستی هرچند شدی و اگر نه خمسة و عشرين الف درهم، والی شرطه را در هر سال ثلثین الف درهم، بندان خراج را و دبیران اورا خمسين الف درهم، و صاحب مظالم را عشرين الف درهم، و ریگ بستنها را ثلثین الف درهم، [و] پرنهارا که نگاه داشتندی خمسين الف درهم، [و] پلها و رودها و جویها و معبر کشتیها را اندر هیرمند ثلثین الف درهم، دیگر برجای نهادندی ابنه سبیل و ضعا را، [و] نفقات و جامه کردندی غربا را، و نگاه کردندی اگر کسی را وامی آمدی بدادندی و اگر جای بغریق یا بسبی ویران گشتی آبادان کردندی، و هرچه بسر سال زیادت شده بودی و الی برین کسها که یاد کرده شد تفرقه کردی و بعیدها مهمانی کردندی و بخور و غالیه دادندی ضعا را هم از این، وبالله التوفیق.\*

۴۱- احياء الملوك صفحة ۱۹.

\* توضیح و تشریح کلمات و اصطلاحات و عبارات را به تفصیل در صفحات ۳۵ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ کتاب تاریخ سیستان، تصحیح ملک‌الشعراء بهار می‌یابید.

جدول شماره ۱  
درآمد سیستان

مبلغ به درهم	درصد کل خراج	درصد هزینه‌ها	توضیحات
۳۵۱۲۰۰۰۰			۱- خراج سالانه که مبنای ثابتی داشته است
۸۵۰۰۰۰			۲- جزیه و عایدات خالصه و مال الاجاره
۳۵۹۷۰۰۰۰			کل درآمد
۲۰۰۰۰۰۰۰	۵۵٫۶۰		۱- اختصاصی سلطان که مأمورین و عمال و طرفداران نیز از همین مبلغ مقرر داشته‌اند
۴۰۰۰۰	۰٫۰۵۳		۲- برای اصلاح خرابیها که از سیل و جریان رودخانه در اراضی مزروع پیدا شده است.
۵۰۰۰۰۰	۱٫۳۹		۳- برای نگهداری سد های خاکی و مرز- بندیهای زمین درختی (پرن)
۳۰۰۰۰۰	۰٫۸۳		۴- برای مرمت پلها، رودها و جویها و معبر کشتیها در هیرمند.
۲۵۰۰۰۰	۰٫۶۹		۵- پیش‌بینی شده برای بستن سدها و در صورتی که لازم باشد بیشتر از آن
۱۲۰۰۰۰	۰٫۳۳		۶- برای مرمت کردن باره شهر
۵۰۰۰۰۰	۱٫۳۹		۷- برای تعمیر و آبادانی قلعه‌های اطراف
۳۰۰۰۰۰	۰٫۸۳		۸- والی شهر (شرطه)
۵۰۰۰۰۰	۱٫۳۹		۹- بندهار (رئیس مالیه) و دبیران او
۲۰۰۰۰۰	۰٫۵۵		۱۰- صاحب مظالم
۲۰۰۰۰۰	۰٫۵۵	۶٫۶۹%	۱۱- برای هزینه زندانیان شهرها
۲۰۰۰۰۰	۰٫۵۵	۴٫۶۹%	۱۲- برای حقوق مؤذنان هر جا که باشند
۱۰۰۰۰۰	۰٫۲۷	۲٫۲۳%	۱۳- برای مخارج بیمارستان
۳۰۰۰۰۰	۰٫۸۳	۷٫۰۴%	۱۴- ریگ بستها
۴۵۰۰۰۰	۱٫۲۵	۱۰٫۵۶%	۱۵- هر سال صد بنده زن و مرد از پانصد درم تا چهارصد درم خریده و بهر يك نیز معادل بهای آن پرداخت می‌شود.
۳۰۰۰۰۰	۰٫۸۳	۷٫۰۴%	۱۶- که در ماه رمضان به قرآن خوانان، خادمان دیوان‌خانه، مأمورین دیوان‌خانه، رؤسای شهری، نگهبانان و پاسبانان، مطلعین، سرشناسان (چشم‌بینش) هر چند که باشند و بهر شهر که باشند در این ماه بهر يك روزانه ۲۰ درهم و ۲ من نان داده شود.

## جدول شماره ۲

خراج سیستان و هزینه سالانه در زمان ملك اعظم قطب الدين ثالث. (نقل از احیاء الملوك)

کل مبلغ خراج	هر پلته‌ها:
۷۵۱۲۰۰۰۰ درم	۱ - حصه بیوتات حاکم
	۲ - بیت‌المال:
	۳ - سپاهیان
	و تتمه بدین نحو خرج شدی:
۲۰۰۰۰۰۰۰ درم	۴ - خرج عمال
۱۰۰۰۰۰۰۰ درم	۵ - تعمیر قلاع
۲۵۱۲۰۰۰۰ درم	۶ - خرج گورستانها
	۷ - خرج ماه رمضان و حافظان کلام الله
	۸ - خرج زندانیان
	۹ - خرج کوران
	۱۰ - خرج پاسبانان و عساکر و حارسان ملك
	۱۱ - خرج بیمارستان
	۱۲ - والی شرطه
	۱۳ - صاحب مظالم
	۱۴ - خرج کشتیها
	۱۵ - مقرری دبیران
	۱۶ - خرج بخور و غالبه
	۱۷ - خراجات پرن و بستن بند و بندریگ همه از مال دیوان شدی (مبلغ معین نشده).
	۱۸ - هر سال صد غلام و صد کنبزک خریدی و هر يك را بمقدار دیگر که بهای ایشان (بودی) دادی که در آن سال، خدمت بیماران و غریبان کردی و آخر سال آزاد کردی (مبلغ معین نشده).

## حاضر جوابی میرزا ابوالحسن ایلیچی

در لندن از میرزا ابوالحسن ایلیچی پرسیدند آیا حقیقت دارد که در ایران مردم خورشید پرستند؟  
جواب داد در ایران نه. اما در انگلستان اگر من که ایرانیم اتفاقاً خورشید را بینم آن را خواهم پرستید.